

گزارش مسافرت علمی دانشجویان رشته تاریخ

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

از: محمود سالار اسدی

گروهی از دانشجویان رشته تاریخ تقاضای بازدید از آثار تاریخی استان خوزستان را نموده بودند خوشبختانه از طرف مسئولین محترم دانشکده موافقت به عمل آمد و این مسافرت در تاریخ ۷۳/۹/۲۱ انجام پذیرفت و میزبانی این گروه را دانشگاه شهید چمران اهواز پذیرا شده بود. این بازدید اول از خود شهر اهواز و اطراف آن شروع شد، اهواز از شمال به شهرستان دزفول و شوشتر و اصفهان و از مغرب به دشت میشان و دزفول و از جنوب به خرمشهر و از مشرق به بهبهان و اصفهان محدود است و این شهر در ۸۶۲ کیلومتری جنوب غربی تهران و در طول ۴۸ درجه و ۴۱ دقیقه و عرض ۳۱ درجه و ۱۹ دقیقه قرار گرفته است این شهر در زمان سلاطین عیلام، آباد و پرسکنه بوده شاید در حملات آشور بانیپال یا اسکندر مقدونی ویران گشته و از رونق افتاده است در مرآت البلدان ناصری، اهواز را پایتخت اردوان چهارم پادشاه اشکانی نام برده است اما به گفته بعضی مورخین بنای این شهر را به اردشیر بابکان نسبت می دهند و آن را «هرمز شهر» گفته اند ابن اثیر نیز چنین روایتی دارد و در بیشتر تواریخ قدیم به این نام اسم برده شده است چنانکه ابونواس حسن بن هانی متوفی به ۱۹۵ هجری که شاعر بوده و بزبان عربی شعر می سروده است لقب اهوازی دارد که او را ابونواس حسن بن هانی اهوازی گفته اند شاید طایفه هوزی ساکن این ناحیه بوده اند به این نام نامیده شده است یا اول شهری آباد بوده بعد ویران گشته و مجدداً آباد شده آنرا اهواز یعنی از بین رفته که از نو سرگیرد نامیده اند زیرا در بعضی از تاریخها آنرا «اکسین» نام برده اند و بعد از «اکسین» اهواز گفته اند بعضی از مورخان بعد از اسلام، آنرا الجزیره و المدینه نیز نامیده اند اهواز در شرق رود کارون واقع

شده است که در زمانهای خیلی گذشته در میان آن نهری بزرگ به عرض ۲۰ ذرع می‌گذشته است که نام آن را شاهجرد می‌گفتند که این نهر را از سیصد ذرع بالاتر از بند کارون جدا کرده بودند که خود باعث آبادی شهر بوده است بعد از حمله اعراب به خوزستان اهواز نیز به دو بخش تقسیم گردید بخش اول آن که بین کارون و شاهجرد بود بنام الجزیره می‌گفتند و بخش دوم آنرا المدینه می‌نامیدند که در آن بازارهای بسیار و مدارس و مساجد بزرگ بوده و مردمانش اشخاص عالم و دانشمند بوده‌اند بطوریکه گفته شد المدینه بزرگتر از الجزیره و آبادتر از آن بوده است غیر از آب کارون و نهر شاهجرد در کنار شرقی اهواز قدیم آب دیگر بنام نهر مشرقان یا مشرقان محلّهای دوردست این شهر را مشروب ساخته و باعث آبادانی کشت ذرع و باغهای بسیار در مشرق آن وجود آب مشرقان بوده است که در اوایل قرن ششم هجری بواسطه شکستن سد کارون و آب مشرقان به جوی اصلی بخش شرقی به همین علت باغها و محله‌های شهر رو به ویرانی رفت تمام اهواز بخصوص قسمت شرقی آن روبه ویرانی گذاشت.

در زمان ناصرالدین شاه کشتیها از روی آب کارون می‌گذشتند و مال التجاره وارد صادر می‌کردند بازرگانان دزفولی و شوشتری و غیره برای خرید و فروش کالای خود به آنجا رفت و آمد داشتند و چون از عربهای آنجا زیان و آسیب به آنان می‌رسید از دولت وقت تقاضای امنیت آنجا را نمودند که دولت وقت بنابه تقاضای آنان « حسینقلی خان نظام السلطنه » را برای ایجاد امنیت و حفظ کاروانها به آنجا فرستاد و نامبرده برای عده‌ای سرباز و پاسبان بناهای جدید، جهت مسکن آنها ساخت و آنرا ناصری نام نهاد و از آن زمان الجزیره و المدینه به ناصری شهرت یافت بعدها ناصری به سرعت هر چه بیشتر روبه آبادانی و ترقی گذاشت و به صورت شهر جدید و پرسکنة درآمد و در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی مرکز استان ششم تعیین شد و در اثر رفت و آمد بازرگانان روزبروز بر جمعیت آن افزوده شد که در ردیف یکی از شهرهای وسیع و زیبای کشورمان درآمد که دارای ساختمانهای مدرن و خیابانهای زیبا و بازارهای بزرگ و حمامهای تمیز و مساجد و مدارس بسیار و دارای دبیرستانها و دانشگاه و

بیمارستانهای مجهز با وسایل بهداشتی و پارکهای زیبا و گردشگاههای فرح بخش و پلهای بتونی و فلزی بسیار زیبا و دارای کارخانه‌های متعدد از جمله کارخانه ریسندگی و کارخانه نورد آهن ایران و مجتمع صنایع فلزی خوزستان و همچنین کارخانه لوله‌سازی و سنگ تراشی در اهواز گشته است و عملیات ساختمانی آن سریع پیش می‌رود و هر سال کوی بزرگ شامل خانه‌های مسکونی مدرن به این شهر افزوده می‌گردد که عبارت از کوی زیتون کارمندی و کوی زیتون کارگری و نیوساید که محل اغلب کارکنان صنعت نفت است - کیان پارس - کوی گلستان - پادادشهر - زیباشهر و کوی کارون و کوی فرهنگیان که همه پیش رفت و آبادانی شهر اهواز را نشان می‌دهد خوشبختانه تحت مطالعات دانشمندان صنعت نفت، اهواز جزء مناطق نفت خیز خوزستان محسوب می‌شود و اولین چاه در سال ۱۲۹۱ هجری در آن حفر گردید بطوریکه تا چند سال پیش تعداد چاههای حفر شده به ۱۰ حلقه رسید و در سال ۱۳۴۳، ۳۳ حلقه چاه حفر شده بود که در سال ۱۳۴۴ تولید نفت اهواز بطور متوسط در روز ۱۷۹۸۶۱ بشکه بوده در آن سال مقام سوم را از لحاظ تولیدی نفت در جنوب بدست آورد بطور کلی اهواز شهری است خرم و با صفا در خوزستان و شهری از این شهر، خرم‌تر و با نعمتهای بسیار و نهادی نیکو نیست.

دومین روز بازدید از شهر باستانی و قدیمی و عیلامی شهر شوشتر شروع شد این شهر از لحاظ جغرافیائی در ۴۷ درجه و ۱ دقیقه طول و ۳۲ درجه و ۱۲ دقیقه عرض قرار گرفته است این شهر با عظمت، یکی از مراکز تمدن قدیم و مهمترین و بزرگترین پایتخت‌های جهان می‌باشد شهری که شکوه و اقتدارش برجهانیان در گذشته روشن و آشکار است و شهری است که آثار تمدن پنج‌هزار ساله را در خود مدفون دارد و تپه‌های آن متوالی، از سلاطین مقتدر عیلام و شاهان هخامنشی و پیغمبرانی چون حضرت دانیال^(ع) و غیره حکایتها در سینه دارند. بگفته حمزه بن حسن اصفهانی کلمه شوش را از خوب و خوش مأخذ دانسته است ابن مقفع گفته نخستین بنائی که بعد از طوفان نوح شده حصار شوش بوده است ابن کلبی نیز بنای آنرا به شوش بن سام بن نوح نسبت میدهد.

حمدالله مستوفی ، هم در نزهة القلوب به مهلائیل بن قیتابن انوش بن شیث بن آدم ابوالبشر منسوب میدانند حکایت است که یکی از پسران سام نوه نوح بعد از طوفان نوح به این حدود آمده و اسم او عیلام بن سام ابن نوح بوده و سرزمین خوزستان کنونی را بنام عیلام یا (ایلام) نامیده است شاید عیلام پسر سام نیز شهر شوش یا سوزای قدیم را بنا نموده باشد و همچنین بقول استرابو شوش را سوسن پدر « ممنون » بنا نهاده و ممکن است که در ابتدا آنرا سوسن گفته‌اند که شاید اسم پدر ممنون باشد و همچنین به اسم‌های مختلف نیز نامیده‌اند که عبارت از سوزا - سوس - شوشن که این نام در توارت آمده است سوسن و شوش که هنوز به این اسم معروف است .

اشیائی که در اثر کاوشهای فرانسویها از شوش و اطرافش کشف گردیده حکایت از هزاران سال پیش از میلاد مسیح می‌کند . این شهر در تاریخ عمر طولانی خود دارای دو عصر درخشان بوده یکی در دوره با عظمت پادشاهان عیلام مخصوصاً در زمان سلطنت شل خاک ابن شوشیناک که در این زمان خوزستان کشوری قوی و شوش شهری بسیار آباد و مجلل و دارای قصرهای سلطنتی و غنائم قیمتی ، که از ممالک مجاور آورده بودند که این دوره در سال ۶۴۵ پیش از میلاد مسیح بدست آشوربانیپال پادشاه آشور خاتمه یافت و دیگر در دوره شاهان هخامنشی مخصوصاً داریوش بزرگ شوش را مجدداً احیاء نمود و در آن عمارت و قصرهای بسیار عالی و زیبا بر پا کرد مانند قصر آپادانا و غیره و مجدداً پایتخت شاهنشاهی هخامنشی گردید و شاهراه تاریخی شوش بساردس احداث شد که بواسطه آن این شهر مرکز سیاست عالم آن زمان و همچنین مرکز تجارت شرق و غرب نیز گردید پس از داریوش بزرگ خشایار شاه و دیگر شاهنشاهان هخامنشی نیز بر آن قصرهای افزودند و در این رابطه بازدید از تپه معروف شوش به عمل آمد . کاوشهای انجام گرفته را از نظر قدمت و اهمیت آثار به چهار بخش ممتاز تقسیم کرده‌اند .

۱ - اگروپل (ارک یا قلعه شوش)

۲ - بخش شهرشاهی (شهر پادشاهی)

۳ - آپادانا (ابدانه)

۴ - پیشه وران (صنعتگران)

در محوطه‌های باستانی یادشده فوق آثار متنوع و فراوانی از انواع ظروف سفالی، اسلحه، وسایل زینتی، اشیاء فلزی مفرغی و همچنین لوح‌های که دارای علائم خط تصویری و لوح گلی و سنگی متعدد که مربوط به ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌باشد کشف شده است که متن اکثر لوحه‌های شامل اسناد و قراردادهای حقوقی است و نیز کتیبه‌های که حاکی از تاریخچه ساختمان کاخ و کارنامه شاهنشاهی حدود و ثغور کشور و نام و نشان شاهان هخامنشی است بطور کلی از بررسی آثار تاریخی کشف شده و مقایسه آن با کشفیات آثار ناحیه بین‌النهرین تاریخ تقریبی آغاز تمدن سرزمین و نواحی مورد کاوش شوش و بین‌النهرین را به چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح تشخیص داده‌اند در کاوش‌هایی که از سال ۱۸۹۷ میلادی توسط هیئت باستانشناسی فرانسه در شوش به عمل آمده است. چنین نظر داده‌اند که در زمان داریوش تپه «اکروپل» و تپه آپادانا و تپه شهرشاهی در یک حصار محکم قرار داشتند و روی تپه «اکروپل» قلعه مستحکمی از زمان هخامنشیان وجود داشته و روی تپه آپادانا کاخ داریوش یک تالار پذیرائی موسوم به آپادانا کشف شده که در آن زیباترین آثار پیدا شده عبارت از یک ردیف شیرهایی که روی کاشی لعابدار با رنگهای مختلف نقش شده و ردیف دیگر از سرستونهایی که مرکب از چند زوج گاو نر و نیزه‌داران و همچنین برچهار ستون آن کتیبه‌هایی یافتند که به زبان پارسی باستان و آشوری و عیلامی نوشته شده است. این کتیبه‌ها که به فرمان اردشیر دوم ساخته شده‌اند می‌رساند که قصر آپادانا به فرمان داریوش بزرگ بنا شده و در زمان «اردشیر بهمن» و اردشیر دوم تکمیل گردیده است و در نزدیک کاخ آپادانا معبد «ناهید» نیز بنا شده بود. در کاوش‌هایی که از شهرشاهی به عمل آمده به این نتیجه میرسیم که سابقاً شهری را تشکیل می‌داده که در آن درباریان و منصب‌داران در آن زندگی می‌کردند و همچنین کاوش‌هایی که در تپه موسوم به شهر «پیشه‌وران» انجام شده در دوران اشکانی و سلوکی پیدا شده و در طبقه پائین‌تر، گورستانی بوده است که در

آن دوگونه قبرهای وجود داشته که یک قسمت روی آن طاق زده شده بود و مردگان را در تابوت‌هایی از گل پخته قرار می‌دادند. ولی جسد کودکان را در خمره‌ها می‌گذاشتند. نوع دیگر به صورت اطاقی و بوسیله پله‌هایی که به آن راه میابد قرار می‌دادند. از جمله اسناد تاریخی ستون سنگی بزرگی است که قانون (حمورابی پادشاه کلدی و آشور می‌باشد) که بر آن سنگ نقر گردیده. کلیه آثار پیدا شده در تپه شوش اکثراً به موزه لوور فرانسه منتقل شده و در تالاری بنام تالار ایران قرار داده شده است. و یک قسمت دیگر در تالار هنرهای زیبا و قسمت جزئی آن که بیشتر آن کویپه می‌باشد در موزه شوش نگهداری از بقعه معروف حضرت دانیال‌نبی^(ع) که در شهر شوش می‌باشد دیدن نمودیم حضرت دانیال‌نبی^(ع) یکی از پیغمبران و راهنمایان بشر بوده است که در این شهر مدفون است. حضرت دانیال‌نبی^(ع) از نسل حضرت یعقوب و از انبیای بنی اسرائیل است. او پسر یوحنا و یوحنا پسر یوشیا می‌باشد و دارای کتاب نبوت بوده که کتاب آن حضرت مشتمل بر بیست یک فصل که همه بر اخبار غیب و بعثت پیغمبر آخرالزمان بوده و ایشان همزمان با سلطنت (بخت‌النصر) از سلاطین کلدانی پادشاه بابل می‌زیسته بخت‌النصر پیش از پی بردن به نبوت آن حضرت او را از بزرگترین حکما می‌دانسته بعد از انقراض دولت کلدانی داریوش اول پادشاه ایران از علم و فضیلت و حکمت آن حضرت آگاه شده، او را پیش خود دعوت نمود و بر یکصد بیست حاکم تعیین شده در مملکت فرمانده آنان نمود در واقع می‌توان گفت تمام کار مملکت داری را به آن حضرت واگذار نمود. مقبره آن حضرت آثاری از زمان سلاطین هخامنشی است که تاکنون برجا مانده است. هیئت فرانسوی برای حفظ و نگهداری ذخائر کشف شده در شوش قلعه‌ای بسیار محکم با آجر و سنگ ساختند و در آن منزل کرده بودند که بنای آن برتلی بلند استوار است اشیائی که از حفاری بدست آمده است در آن قلعه نگهداری می‌شود تا بعد از بسته‌بندی به تهران و فرانسه حمل شود. سومین روز بازدید از شهر تاریخی دورانتاش یا چغازنبیل کنونی شروع شد چغازنبیل در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش قرار دارد. در این ناحیه در سال ۱۲۴۵ - ۱۲۶۵ قبل از

میلاد مسیح یکی از سلاطین عیلام بنام « اونتاش گال » شهری بنام دورانتاش برای اقامت خود ساخت که این شهر مخصوص و مرکز مذهبی بود که شامل زیگورات « برج مطبق » و معابد و کاخ و مقبره شاهان بود این زیگورات پنج طبقه و یک قصر در انتها داشته و سبک معماری آن برج مطبق و جالب و اصالت معماری بومی را نشان می دهد . در حفاریهایی که سالهای اخیر در چغازنبیل و تپه‌های اطراف آن صورت گرفته حدس می‌زنند که این معبد برای پرستش رب النوع این شوشیناک الهه شهر شوش بوده است همان رب النوع که شیلهاک این شوشیناک نام خود را از آن رب النوع گرفته است و برخی از محققین بنای معبد را اختصاص به پرستش الهه (گال) رب النوع حفاظت شاهان دانسته‌اند دیوارهای زیگورات از خشت خام و روکش آنرا از آجر ساخته‌اند در اطراف معبد تپه‌های فراوانی است که درون این تپه‌ها بخصوص تپه‌های مشرف به اراضی ساحلی کرخه و زمینهای جنگلی ، آثار ویرانه‌ها و باروها و عمارات و آبراهه باقی است که نشانگر ابتکارات آبرسانی از داخل این تپه‌ها و در زیر آنها به محوطه‌های و معبد چغازنبیل و شهر و محله آن مشاهده میگردد دورانتاش یکی از شهرهای آباد زمان عیلامیان بوده یکی از پادشاهان سومین سلسله عیلامی است که به آنها سلاطین آنزان یا آنشان می‌گفتند و از سال ۱۳۰۰ تا ۱۱۲۰ قبل از میلاد یعنی حدود ۱۸۰ سال حکومت کرده‌اند چنانکه گفته شده است مؤسس این سلسله «ایکهایکی» بوده و در این سلسله پادشاه بزرگی بنام « اونتاش گال » یا اونتاش هوبان بود که شهری مذهبی و سلطنتی بزرگی بنام دورانتاش بنا نمود که چغازنبیل کنونی است آثار کشف شده از این چغازنبیل فراوان می‌باشد ولی جالب‌ترین شیئی که در حفاریات این زیگورات پیدا شده است مجسمه گاو لعابداری است که به گاو بالدار مینائی معروف است که با کمال ظرافت و مهارت ساخته شده است و کتیبه‌ای بر روی گرده آن به خط عیلامی در چند ردیف نوشته شده است مجسمه این گاو ظاهراً در بالای یکی از سردرهای زیگورات قرار داشته است و آجرهای که به زبان عیلامی نوشته شده و سر یک حیوان به شکل عقاب و غیره و همچنین وسایلی که پیش از تمدن بشر و دست یافتن به آهن و

فلزات کشف شده است که در موزه ایران و موزه شوش در معرض دید عموم قرار دارد. بازدید بعدی از شهر شوشتر یا بقولی تسترگویند شروع شد این شهر از طرف شمال به دزفول و از طرف مشرق جنوب به اهواز و از طرف مغرب به شوش محدود است و در ۱۲۶ کیلومتری اهواز واقع شده است طول جغرافیائی آن ۴۸ درجه و عرض آن ۳۲ درجه است و یکی از قدیمترین شهرهای ایران و روایت است که یکی از سلاطین پیشدادیان بنام هوشنگ شاه بنا نموده و آنرا «سوسان جوسق» گفته‌اند و شهری است تاریخی که سابقه‌ای چند هزار ساله دارد این شهر از قدیم الایام مناظر طبیعی و دلپذیری داشته و بر روی تخته سنگهای کنار کارون بنا شده و گویند یکی از سلاطین هخامنشی نام «سوسان» جوسق را به نسترن تغییر داده است. بعد از آنزمان به بعد نسترن نامیده‌اند «یاقوت حموی» از آن بنام نسترن یاد کرده است ولی بعد از مدتی آنرا از «سوس» بهتر گفته‌اند در صورتی که شهر تاریخی شوش بنام سوس یا سوزا نام داشته تا اینکه در زمان ساسانیان این شهر چون مناظر طبیعی و آب و هوای نسترن سابق را بهتر از شوش مشاهده کردند با احداث نهر بزرگی از کارون در طرف دیگر شهر نسترن بصورت جزیره یا شبه جزیره‌ای گردیده و ساختن قلعه‌های محکم در آن امکان بهتر شدن از سوس را دارد تا اینکه سوس را شوش نامیدند سوس بهتر را از شوش بهتر خواندند و مخفف به شوشتر شد که در ایام قدیم شوش و شوشتر به هم پیوسته بوده است بطوریکه شهرهای و قصبات بزرگ و کوچک بین این دو شهر فراوان بوده که فاصله بین این دو شهر تاریخی آباد و پر جمعیت را تشکیل می‌داد بطوریکه بستانی گوید خوزستان یکی از ممالک ایران است که قدیم شوشتر نام داشته یعنی از شهرت شوشتر خوزستان را بنام آن خوانده‌اند قدیمترین آثار شناخته شده در شمال شرقی آن در منطقه کوهستانی که وارد حوزه ایل بختیاری می‌شود تمدن ماقبل تاریخی مربوط به اقوام غارنشینی به صورت اشیاء سنگی و استخوانی و سفال بدست آمده است این مکان بنام تنگ پیدا (Pebda) معروف است و هم نام دره‌ای است که غار در آن قرار گرفته است آثار بدست آمده از آن متعلق بدوره نئولتیک «عصر حجر» می‌باشد در جنوب

شرقی شوشتر قطعه سنگی پیدا شده است که روی آن کتیبه‌ای با خط میخی عیلامی کهن نوشته شده و مجسمه سنگی « زیگورات عیلامی » در بقعه « شابلحسن » بدست آمده است که آثار هنری از سنگتراشی دوره عیلامی (آنزان) می باشد و آثار مخروبه آتشکده این شهر نشانگر آئین مردم شوشتر پیش از اسلام به یزدان پرستی و دین آنها زردشتی بوده است . تخته سنگ بزرگی در شمال شرقی شوشتر نزدیک مقبره سید محمد گلدبی می باشد گویند قیصر روم را در موقع اسارت روی همین تخته سنگ وادار می نمایند که آنچه خرابی در طی جنگهای ایران و روم به ایران وارد آمده باید جبران نماید این سنگ از آن تاریخ تخت قیصر نامیده شده است سد شادروان برروی کارون از زمان شاپور اول یا (شاپور ذوالاکتاف) در شوشتر بسته می شود این سد ده فرسنگ در شش فرسنگ زمین های کشاورزی را آبیاری می نماید . ساختن این سد را به قیصر روم در موقع اسارت نسبت می دهند که توسط مهندسین همراه ارتش روم ساخته شده است و کارگری آنها سربازان رومی نموده اند . فردوسی در شاهنامه سازنده این سد را بنام برانوش اسم میبرد بند قیصر را با سنگ تیس های بزرگ که بایست های آهنین محکم شده اند ساخته اند طرح و پروژه عظیم مهندسی موجب حیرت است که خود نمایانگر قدرت و اندیشه طراحان بوده و میزان علاقه ایرانیان را به عمران و آبادانی سرزمین خویش میرساند .

آثاری که از دورانهای قدیم برروی کارون مشاهده می شود . نشانگر شبکه آبرسانی و آبیاری دشت خوزستان از زمانهای عیلامی و هخامنشی می باشد بند میزان یکی از بندهائی است که در شوشتر برروی کارون زده شده که به یک میزان آب را به همه شهر میرساند . آبشار شوشتر یکی از شبکه های دیدنی است که با دریچه های سنگی به صورت کانالهای آبرسانی در آمده و آب را به شهر میرساند و منظره با صفا و با طراوت آن ، با نشیمنگاه سنگی ، به صورت شبکه های سنگی مخروطی شکل ، محل استفاده و تفریح مردم شهر در فصول سال می باشد و از نیروی آبشار در زمانهای قدیم بوسیله توربین های که در مسیر ریزش آبشارهای قرار داده بودند استفاده میکردند . از آنها به صورت آسیابهای

آبی استفاده می نمودند و همچنین زیر زمین هائی در این شهر وجود دارد که تماماً از سنگ تراشیده شده است در آنها تهویه هوا و آب بطور طبیعی بوسیله تراش سنگها صورت گرفته است. از بناهای دیگر تاریخی این شهر مسجد جامع شوشتر می باشد این مسجد از مساجد قدیمی و تاریخی این شهر به شمار می رود و تاریخ بنای آن بر کتیبه چوبی و سنگی و گچبری نوشته شده بعضی از آنها از بین رفته است گویند المعتز بالله سیزدهمین خلیفه عباسی در سال ۴۴۵ هجری شروع به بنای آن نمود توفیق به اتمام آن نیافت و در زمانهای القادر بالله بیست پنجمین خلیفه و بعد از او پسرش القائم بامر الله و آخر الامر المستر بالله بیست و نهمین خلیفه عباسی آنرا با تمام رسانید. این مسجد دارای ستونهای بسیار محکم است که قطر هر ستون از یک متر و نیم تجاوز می کند و بلندی ستونهای در حدود پنج متر می باشد این مسجد مناره ای دارد که گویند ۴۰ متر ارتفاع داشته ولی اکنون قسمتی از آن خراب شده است. بطوریکه مناره مسجد را به دوران چوپانیان شیخ اویس بن شیخ حسن چوپانی « ۸۲۲ هجری » نسبت می دهند شبستان اصلی مسجد که در طرف جنوبی آن واقع شده دارای منبر چوبی نفیسی است. و طبق کتیبه ای نام منصور ابولحارث و تاریخ صفر سال ۴۴۵ هجری بر روی آن حک گردیده است از مشاهده قوس طاقها و ایوان رفیع و شبستان آن بشیوه معماری دوره ساسانی ساخته شده با اینکه بدفعات تعمیر گردیده آثار بنا و قدمت آن به دوره اوائل اسلامی روشن و آشکار است. در شوشتر بقاع متبرکه بسیاری دیده می شود که بعضی از آنها مقابر بزرگان روحانی و بعضی قدمگاه یا مقام معروف هستند. مقبره براء بن مالک انصاری یکی از این بقعه ها است. براء بن مالک یکی از سران قشون اسلام بوده است که در فتح شوشتر از میان قلعه سلاسل تیری به او اصابت می نماید و میمیرد و در نزدیک قلعه دفن می گردد. دیگر بقعه امامزاده عبدا... است که بر بالای تلی در جنوب شهر داخل حصار نزدیک دروازه لشگر میباشد در بالای سر در امامزاده عبدا... به خط کوفی چنین نوشته شده « فی تاریخ محرم سنه تسع و عشرين و سمائة الملك الله و العظمه » این بقعه چون در بالای تپه مشرف به شهر میباشد بسیار با صفا است در

قدیم دارای مهمانخانه و مدرس و مطبخ و کتابخانه و منازل خدمه و طلبه بوده که امروزه اثری از آنها باقی نمانده است بقعه‌های دیگر این شهر عبارت از بقعه سید محمد شاه که جد سادات مرعشی شوشتری است که نسب آن به امام زین العابدین میرسد وفات آن به سال هشتصد و هفتاد قمری است و بقعه سید محمد بازار که در نزدیک بازار شوشتر واقع شده چون آنجا بازار بوده و آن بقعه به سید محمد بازار معروف می‌باشد و بقعه شاه زید این بقعه در کنار یکی از میدان‌های کوچک باگنبدی شلجمی گج اندود واقع است بقعه سید محمد ماهر در کنار پل بلیتی مشرف به رود گرگر در کنار خیابان نزدیک فلکه است گویند از اولاد امام موسی ابن جعفر^(ع) می‌باشد مقبره سید محمد گلدبی در شمال شهر نزدیک تخت قیصر واقع شده و مقبره صالح پیغمبر و مقام عباس این بقعه در محله‌ای «در عباس» که یکی از محلات حیدرخانه شوشتر است واقع شده است و زیارتگاه مردم شوشتر می‌باشد.

بازدید بعدی از شهر دزفول آغاز شد دزفول در ۱۶۵ کیلومتر شمال اهواز قرار گرفته و از نظر جغرافیائی در طول ۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه و عرض ۳۲ درجه ۲۴ دقیقه و ارتفاع آن از سطح اقیانوس ۱۵۰ متر است دزفول در جای بلندی و با صفائی ساخته شده است بنای آنرا به اردشیر بابکان نسبت می‌دهند دزفول معرب دزپل است پل‌های بزرگ در میان راهها مانند تنگه‌هایی بوده در کوهستان برای نگهداری هر پلی دزی در جنب آن برای نگهداری پل می‌ساختند آنرا از تخریب و تصرف راهزنان و مفسدان حفظ نمایند پس بنابراین پل و دز (قلعه که اکنون در جای محله قلعه دزفول واقع است) نخستین بناهای بوده و از این جهت آنجا را دزپل نامیده‌اند که بعد آنرا معرب نموده دزفول گفته‌اند حمدالله مستوفی در نزهة القلوب گوید دزفول را اندالمشک گفته‌اند و از اقلیم سوم است اصطخری تنها اندامش گوید «لورتا اندامش دو فرسنگ اندامش تا جندیشاپور هم دو فرسنگ» یاقوت حموی ایندو شهر را یک شهر شمرده می‌گوید. اندامش بکسریم شهری است میان کوه‌های «لورو جندیشاپور» ولی مقدسی ذکر شهرهای ولایت جندیشاپور را نموده گوید «الذز، الروناش» باذکر حرف و

تعریف در هر دو نام دو بودن آن فهمیده می شود وگرنه نه باید « دزالروناش » می گفت در بعضی از نسخه ها بجای کلمه الذ لفظ قنطره اندامش آمده است این شهر دارای چهار دروازه بوده به نامهای ، دروازه پل یا غربی ، دروازه شوشتر ، دروازه بختیاری ، دروازه خراسان رود « دز » که از کبیر کوه جاری واز کنار این شهر میگذرد یکی از شعبات رود کارون می باشد که پس از پیمودن چهارده فرسنگ در محلی بنام «بندقیر» به رود شوشتر می پیوند و به اهواز می رود پس از عبور از خوزستان قسمتی از آن در محلی بنام (بهمنشیر) داخل خلیج فارس شده و بقیه بنام کارون به شطالعرب می ریزد. بر روی رود دز « شاپور ذوالاکتاف » پلی ساخته بود که دارای چهل دو چشمه طاق و طول این پل ۵۲۰ گام و عرضش ۱۵ گام است. این پل دروازه دزفول به اندیمشک است. در ۲۵ کیلو متری شمال دزفول در دره کم عرضی روی رود دز سدی احداث شده است که یکی از بزرگترین سدهای جهان ، در ردیف ششمین و مرتفعترین سد در دنیاودر خاورمیانه می باشد. پس از بررسی و مطالعه ، بنای این سد از سال ۱۹۵۶ میلادی شروع و پس از نقشه برداری و نمونه گیری از سنگها و امکان حفر تونل سد، اقدام به تعیین محل حفر تونلها پرداخته اند. این سد به شکل قوسی در میان دره عمیق کوه تنکوان ایجاد شده و از لحاظ جنس سنگ و محکمی بودن و غیر قابل نفوذی آن اقدام به حفر تونلها شد که خود یکی از شاهکارهای فنی معماری است. طول تونل فرعی ۶۴۷۰ متر و طول انحرافی برای مسیر رود دز و ساختمان سد ۶۷ متر و قطر آن ۵ متر است دزفول در سالهای اخیر بین راه اندیمشک دارای فرودگاه عظیمی است که می توان آن را یکی از بزرگترین پایگاههای ایران دانست این فرودگاه کاملاً مجهز بوده و می تواند تعداد زیادی هواپیمای شکاری را در خود جای دهد از لحاظ وسایل مدرن و موقعیت نظامی مورد توجه است. همیشه تعدادی هواپیمای جت شکاری عملیات نظامی احتمالی در فرودگاه آماده می باشد. در واقع می توان گفت یک تیپ شکاری در این فرودگاه آماده می باشد. این فرودگاه را بنام افسر جوان سرهنگ وحدتی نامگذاری نموده اند که در اثر سانحه هوایی درگذشته است. این فرودگاه بنام پایگاه وحدتی مشهور است.

هوای دزفول در زمستانها معتدل و اطراف آن سبز و خرم است ولی از اواسط بهار و تابستان و پائیز هوا بسیار گرم و گاهی با گرد و خاک و درجه حرارت گاه به ۴۸ درجه و یا کمی بیشتر می‌رسد.

اغلب خانه‌های دزفول دارای زیر زمینهای عمیق و مسطح که به این زیر زمینها باصطلاح محلی « شوادون » میگویند مقصود از کلمه شوادون - مخفف « بشوبدان » گرفته شده و جای بسیار خنکی است و اهالی دزفول در روزه‌های گرم طاقت فرسای در این « شوادون » هابسر می‌برند که ۱۵ الی ۳۰ پله گودی آن می‌باشد و صحن زیر آنرا درجایی که امکان دارد وسیع می‌نمایند و در آنها ایوانهایی می‌سازند که بزبان محلی « کت » می‌گویند برای جریان هوا در شوادونهای همسایه‌ها دریچه و تونل حفر می‌نمایند و گاه محله به محله شوادونها از راه تونلها که به زبان دزفولی « تال » می‌گویند راه دارند در زمانهای قدیم اگر جنگ یا محاصره‌ای پیش می‌آمد از این راههای زیر زمینی که به خارج راه داشتند برای بیرون رفتن از شهر و یا برای تهیه آذوقه و یا کمک رسانی استفاده می‌نمودند. دزفول از دو محله بزرگ به نام « حیدرخانه » و « صحرا به در » تشکیل شده که صحرا به در را نعمت‌خانه هم میگویند « نعمت‌خانه » از دو محله بزرگ بنام « صحرا به در » غربی و « صحرا به در » شرقی تشکیل شده است « حیدرخانه » هم به محله‌های بزرگ و کوچک تقسیم شده است. همانطوریکه گفته شد غیر از « دز » قلعه بزرگتری بوده که آنرا قصرالکبیر می‌نامیده‌اند و مسجد معروف لب خندق در کنار آن بوده است مقبره‌های زیادی در دزفول وجود داشته که معروفترین آنها عبارتند از مقبره سبزالقبا (سید محمد معروف به سبزالقبا برادر عیانی حضرت امام موسی بن جعفر^(ع)) در محله « حیدرخانه » و زیارتگاه عموم اهالی دزفول است، مقبره محمد بن جعفر طیار که برادر زاده حضرت علی بن ابیطالب^(ع) می‌باشد، مقبره سیدسلطانعلی معروف به رودبند که پسر صدرالدین موسی بن صفی الدین سید اسحاق اردبیلی معروف به شیخ صفی، مقبره شاه رکن‌الدین که در محله « صحرا به در » شرقی واقع است، مقبره سید صدرالدین معروف به کاشفیه بقعه شاه خراسان که در دروازه شاه خراسان دزفول است که شاید

قدمگاهی باشد. بنای آن آجری ساده و کوچک است و گنبد آن کلاه درویشی هشت ترک است بقعه ابوالعلا بقعه علی اودس او (آن دست آب)، بقعه پیرنظر، بقعه سید صبور، بقعه مقوم یا مقام علی در بیرون شهر در کنار جاده‌ای که از دزفول به بقعه محمد بن جعفر میرود و بقعه امام زاده سوارغیب، بقعه پیرفراش، بقعه پیر اسحاق، بقعه جابر در نزدیکی قلعه «ربع کویخ» که یکی از دهات‌های دزفول است. و در تذکره الاخبار بقعه شریف جابر بن عبدالله انصاری را نیز نام می‌برد. مساجد عمده دزفول عبارت از مسجد جامع این مسجد از نظر معماری و شبستان و ستونهای سنگی مربوط به اوایل دوره اسلامی می‌شود و در قرن هفتم و دوازدهم هجری مرمت و وسعت یافت و در سردر آن تاریخ ۱۱۵۷ هجری نگاشته شده که دلیل بر مرمت آن می‌باشد بنای آن بشیوه و معماری دوره ساسانی مانند مسجد جامع شوشتر ساخته شده و از لحاظ شبستانها و ستون سنگی و آثار فرسودگی در آنها قابل توجه است و ایوان شرقی آن از بناهای دوره صفوی که به سال ۱۱۱۰ هجری احداث شده سردر و گلدسته‌های آن متعلق به قرن دوازدهم هجری است به طوریکه این بنا تقلیدی از اصول معماری کاخ ایوان کرخه است و دیگر مسجد لب خندق که از مساجد جامع قدیم شهر بوده و هر دو مسجد با صفا و بزرگ و به کاشی‌های ایوان زیبا مزین است و بازار این شهر در وسط شهر است و محل آن در سابق باغچه‌ای بوده است که از موقوفات مقبره شیخ اسماعیل قصری است که در قرون وسطی جزء اکابر عرفا بوده است. قرار بود که از شهر اندیمشک و مسجد سلیمان و هویزه دیداری داشته باشیم ولی در اثر کمی وقت انجام نشد و همچنین از تپه چغایش در ۴۰ کیلو متری جنوب شرقی دزفول و ویرانه‌های شهر جندیشاپور و آسک (بین رامهرمز و ارجان) و همچنین رامهرمز (طاق نصرت) و (آثار دورک یا دورق) و هندیجان «آثار هندیجان» آتشکده مسجد سلیمان و میدان نفت (بدرنشاند) آتشکده معبد «بدر» و آتشکده چهار طاق خیرآباد «بنای آتشکده و پل مجاور آن» و همچنین از هفت تپه و تپه موسیان، تپه بولحیه، تپه دویسیه، تپه بوهلان، تپه جودی و تپه حلوی ماش موفق به بازدید آنها نشدیم.

امید است روزی برسد که به بازدید از این آثار تاریخی کهن و تمدن سرزمین ایران عزیز نایل آئیم و لازم به تذکر است که دیدن آثار تاریخی و بازدید از آنها برای دانشجویان رشته‌های تاریخ، باستانشناسی، هنر لازم و ضروری است و مطالعه منابع مختلف آثار تاریخی مستلزم بازدید از آن آثار تاریخی می‌باشد. در اینجا لازم میدانم که از مسئولین محترم دانشگاه و دانشکده تقاضا نمایم بودجه‌ای برای این منظور در هر سال در بوجه کل دانشگاه و دانشکده منظور فرمایند و همچنین تشکر و قدردانی خودم را از ریاست محترم دانشکده و معاونین محترم ایشان و مدیریت محترم گروه تاریخ و اعضاء هیئت محترم علمی و شورای اجرایی گروه تاریخ بنمایم و مضافاً از دانشجویان عزیز رشته تاریخ که در این مسافرت مرا همراهی نموده‌اند و نشانگر انسانیت و ادب و انضباط بوده‌اند سپاسگزاری نمایم و توفیق آنان را در راه کسب علم و دانش از خداوند منان مسئلت دارم.

منابع و مأخذ

- ۱ - نظریه و بررسی‌های شخصی نگارنده از محل‌های باستانی بازدید شده در استان خوزستان.
- ۲ - تاریخ جغرافیائی خوزستان، مؤلف سید محمد علی امام شوشتری مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر (سال ۱۳۳۱).
- ۳ - بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، مؤلف نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران (سال ۱۳۴۵).
- ۴ - سفرنامه لرستان و خوزستان، مؤلف بارون دوژا. ترجمه محمد حسین آریا انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵ - شکرستان در «تاریخ شش‌هزارساله خوزستان»، مؤلف سید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده دزفولی «متخلص به حجازی» (سال ۱۳۰۸).
- ۶ - نگاهی به تاریخ خوزستان، مؤلف نبره‌زمان رشیدی سازمان چاپ و نشر کتاب (سال ۱۳۷۱).
- ۷ - البدان، مؤلف یاقوت حموی چاپ لندن.
- ۸ - جغرافیای استرابو، مؤلف استرابو چاپ لندن.
- ۹ - تاریخ ایران باستان، مؤلف لوئی واندربرگ ترجمه «دکتر عیسی بهنام».
- ۱۰ - معجم البدان، مؤلف یاقوت حموی چاپ مصر.
- ۱۱ - نزهة القلوب، مؤلف حمدالله مستوفی چاپ لندن.
- ۱۲ - تاریخ هنر ایران، مؤلف پرفسور گریشمن چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۳ - هنر ایران، مؤلف آندره گدار چاپ دانشگاه تهران ترجمه بهروز حبیبی.

